

پیش‌گفتار

آینده‌نگاری آموزش عالی سلامت بر بستر مفاهیم بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی؛ ضرورت‌ها، محورها و الزامات

علی اکبر حق دوست^{۱*}، عطاالله پورعباسی^{۲،۳}

بشر از ابتدای خلقت خود همواره با مفهوم «آینده» چه در بعد نزدیک و چه در بعد دور آشنا بوده و از همان ابتدا کوشیده است تا با دانسته‌های نه چندان عمیق اولیه خود، این مفهوم را متبلور سازد. در این رابطه به‌طور اتفاقی نکته قابل توجه این است که مفاهیم مرتبط با آینده، در زمره مهم‌ترین و ابتدایی‌ترین آموزه‌های دینی نیز از سوی پیامبران مورد تأکید قرار گرفته است. معانی بلند و متعالی از قبیل ظهور منجی و همچنین مفاهیم معاد و حیات پس از مرگ از جمله این آموزه‌هاست که فصل بزرگی از همه ادیان آسمانی را شامل می‌شوند (۱). به همین دلیل است که بشر به‌طور ذاتی به کنکاش آینده و آینده‌پژوهی و آینده‌نگاری میل داشته و تبیین و نظریه‌پردازی در این حیطه و ظهور دانش‌های مرتبط با این مفهوم، زاینده چنین میل ذاتی در نهاد بشر است.

مرور تجربیات موجود در حوزه آینده و آینده‌نگاری نشان می‌دهد که این فرآیند عموماً به دو شیوه و با دو هدف انجام می‌شود، رویکرد اول، رویکرد آینده‌نگاری اکتشافی است که به دنبال آن است که اثر تغییرات متغیرهای اصلی مؤثر بر آینده را سنجش و پیش‌بینی کند که با این تغییرات، فضای جهان و زندگی چگونه خواهد بود و چه تصویری از آن ترسیم خواهد شد. در حالی که رویکرد آینده‌نگاری هنجاری، آینده‌ای مطلوب و البته محتمل و قابل دستیابی را براساس باورها و اهداف کلان فرد و جامعه شکل می‌دهد و سعی می‌کند بهترین مسیر برای رسیدن به آن نقطه را در پیش رو قرار دهد. در آینده‌نگاری اکتشافی، انسان عنصری تقریباً غیرفعال است و تلاش می‌کند از آینده تصویری را شکل داده و خود را با آن تصویر منطبق کند. اما در آینده‌نگاری هنجاری، انسان عنصری فعال است و با نقش آفرینی در همه عرصه‌های آینده، سعی می‌کند جهان و جامعه را به سمت مطلوب بکشانند (۲).

طبیعی است که اگر جامعه آرمان و آینده‌ای زیبا برای خود تصور کند و به وعده‌های تحقق این آینده امیدوار باشد، باید از رویکرد آینده‌نگاری اکتشافی به سمت آینده‌نگاری هنجاری میل کند و تلاش کند با بسیج تمامی نیروها و ترسیم نقشه راهی مدون به سمت تعالی و تحقق آینده موعود حرکت کند. البته رویکرد هنجاری گاه تنها براساس شاخص‌های اقتصادی و زندگی مادی شکل می‌گیرد و جامعه می‌کوشد مثلاً تولید ناخالص ملی و یا جمعیت و یا درصد جمعیت زیر خط فقر خود را به میزان مشخصی برساند و درصد بی‌سوادی خود را به حد مشخصی کاهش دهد. اما گاه آینده‌نگاری هنجاری با نگاهی جامع‌تر و گسترده‌تر به زندگی بشر می‌نگرد و رشد و تعالی تمامی استعدادها بالقوه وی را هدف قرار می‌دهد و در این مسیر، ثبات و سلامت جسم، روان، جامعه و معنویت را در کنار یکدیگر و متعادل با هم هدف قرار می‌دهد.

با این نظر، یک نگاه اجمالی به آموزه‌های مکتب اسلام برای زندگی ایده‌آل انسان مشخص می‌کند که غایت و سعادت بشر در این پارادایم از نوع هنجاری و جامع ترسیم شده و منزلگاهی که برای انسان تبیین می‌کند بس متعالی است (۳). اما شاید اشکال اصلی در عدم دستیابی به این نقطه ایده‌آل در طول قرن‌های گذشته در دو نکته نهفته باشد؛ اول اینکه نقشه راه نیل به آن مقصد با جزئیات و منطبق بر شرایط روز و در دسترس آحاد بشر قرار نگرفته و بنابراین الزامات عملی برای دستیابی به حیات والای بشر در کره خاکی به خوبی برای آحاد جامعه تبیین نشده‌است. دوم اینکه عزم و اراده جمعی و خرد عمومی به این درک نرسیده که بدانند و باور کنند که تحقق چنین آینده‌ای مستلزم تحمل سختی‌های راه است تا در نهایت جامعه را به سرمقصد مطلوب و آن آینده هنجار برساند، چراکه اگر چنین عزمی در لایه‌های مختلف جامعه وجود داشت به‌طور حتم با هدایت و راهبری انسان کامل یعنی پیامبر اکرم و معصومان این مهم محقق می‌شد. اما به تدریج و با گذشت زمان به نظر می‌رسد بلوغ بشری در طی اعصار تکامل بیشتری یافته و شیفتگی برای دستیابی به

۱. نویسنده مسئول: استاد اپیدمیولوژی دانشگاه علوم پزشکی کرمان، معاون آموزشی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

۲. استادیار مرکز تحقیقات غدد و متابولیسم، پژوهشگاه علوم غدد و متابولیسم، دانشگاه علوم پزشکی تهران

۳. دبیر ستاد تحول و نوآوری در آموزش علوم پزشکی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

مدینه فاضله واقعی تبدیل به یک خواست عمومی‌تر می‌شود. که البته وعده الهی نیز چنین آینده‌ای را ترسیم کرده است. اگر این روند تکامل تاریخی را برای کل جهان و به‌ویژه ایران اسلامی بپذیریم، ضرورت ترسیم و تنظیم یک نقشه راه برای هدایت و بسیج نیروها به سوی تحقق هدف غایی وعده داده شده و آینده‌نگاری هنجاری به صورت جامع بیش از پیش نمایان می‌شود.

بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی را که از سوی مقام معظم رهبری در بهمن ۱۳۹۷ منتشر شد، شاید بتوان نمونه کاملی از این رویکرد آینده‌نگاری هنجاری در این برهه مهم تاریخی قلمداد کرد. این بیانیه مخاطب خود را کل ایرانیان در سطوح مختلف اجتماعی و حتی جهانیان، و نه فقط برای زمان حاضر که برای آینده قرار داده و در آن به موضوعات بسیار بلندی اشاره شده است که در میان اسناد بالادستی سیاست‌گذاری کمتر می‌توان نمونه آن را یافت (۴). ماهیت محتوایی این متن با بیانیه‌های قبلی تا حد قابل توجهی متفاوت بوده و تا حد زیادی قابل تفسیر به عنوان یک نقشه راه جامع برای رسیدن به هدف متعالی ترسیم شده برای انسان که همانا سعادت اخروی با بهره‌مندی از بستر حیات دنیایی است، می‌باشد. به عبارت دیگر این بیانیه سندی بر پایه مفاهیم آینده‌نگاری هنجاری برای ایران اسلامی است که ظرفیت تبیین محورهای اصلی برای تحقق مدینه فاضله را داراست. اگرچه آرمان‌گرایی در فصول مختلف این بیانیه خصوصاً در محورهای جوان‌گرایی، گسترش عدالت، فساد ستیزی، سیطره علمی و ... به‌طور کامل مشهود است ولی تنها به شعارهای آرمان‌گرایانه بسنده نشده و راهکارهای عملیاتی را تبیین کرده که برپایه آن‌ها می‌توان سیاست‌ها و راهبردهای اجرایی به منظور تحقق آن آرمان‌ها را نیز در سطوح مختلف عملیاتی کشور تدوین کرد. اگر جوان‌گرایی در این بیانیه به شدت مورد تأکید قرار گرفته و توجه به علم و دانش نافع اکیداً توصیه شده است، در ادامه سرفصل راهبردهای عملی نیز مورد اشاره قرار گرفته که باید بر پایه آن‌ها مسیر تعالی کشور را بنا نهاد. کلید واژه‌های متعددی در زمینه امیدآفرینی و خودباوری نیز به صورت مکرر در بیانیه قابل احصا است تا انرژی و انگیزه لازم برای حرکت و تلاش به ظاهر دشوار ولی اثربخش در جامعه تزریق شود. در مجموع می‌توان این بیانیه را به مثابه منظومه‌ای دانست که مختصات گام بلند بعدی برای تحقق یک جامعه ایده‌آل مبتنی بر ارزش‌های دینی و فرهنگی اصیل را تشریح کرده و به خوبی می‌تواند به عنوان یک اصل برای تبیین نقشه راه چهل ساله آتی کشور مورد توجه ساختارهای سیاست‌گذار و قانون‌گذار قرار گیرد.

اما برای دست‌اندرکاران نظام سلامت کشور این سؤال همواره مطرح است که در حوزه آموزش عالی و اختصاصاً در آموزش علوم پزشکی براساس آرمان‌های بلند مطرح شده در این بیانیه چه باید کرد. براساس اصول بسیاری از توصیه‌های کلی در این سند باید در این موضوع خاص ترجمه شده و مبتنی بر مصادیق موجود مورد توجه قرار گیرد.

اولین محور ترجمانی مورد توجه در نظام آموزش علوم پزشکی، رویکرد به جوانان است. جوان‌گرایی، اعتماد به جوانان، ایجاد مسیری برای تعالی جوانان و آماده کردن ایشان برای قبول مسئولیت‌های سنگین یکی از وظایفی است که حوزه آموزش علوم پزشکی باید دنبال کند؛ چراکه جوانان مستعد، مؤمن و متعهدی در این وادی تحصیل می‌کنند که ذخایر فکری و استعدادهای این دانشجویان به نوبه خود شاید در سطح جهان کم نظیر باشد.

محور ترجمانی دوم که باید مورد توجه متولیان قرار گیرد امید و انگیزش است. رخت، سستی، یأس و ناامیدی از مهم‌ترین آفت‌هایی است که جوانان و البته کل جامعه را می‌تواند متأثر کرده و همواره به عنوان یکی از راهبردها و حربه‌های استعماری در جوامع ناتوان مورد استفاده قرار می‌گیرد. باید کوشید و هوشیارانه تلاش کرد روحیه امیدبخشی را زنده نگاه داشته و روز به روز بر آن افزود (۵). این نکته دیگری است که به عنوان رمز موفقیت باید در برنامه‌های آموزش علوم پزشکی تدبیر شود. البته رسانه به عنوان مهم‌ترین بازوی اجرایی در عرصه‌های فرهنگی باید در این مسیر همراهی جدی داشته باشد، چراکه همین ابزار، از سوی دشمنان به عنوان راهبرد اصلی مداخلاتی در جوامع به کار گرفته می‌شود.

سومین محور ترجمانی در عرصه آموزش عالی سلامت، دمیدن روح خودباوری در اقشار مختلف جامعه به‌ویژه در جامعه دانشگاهی است که البته با مفهوم شور و انگیزش ارتباط تنگاتنگی دارد، یعنی زمانی می‌توان حرکتی قوی و پرشتاب را در عرصه‌های جهانی آغاز کرد که باور داشت توان برتر بودن و پیشتاز بودن وجود دارد؛ به بیان دیگر برای پیروزی وارد مسابقه شد نه برای صرف شرکت در آن. کما اینکه جوانان کشور ما در عرصه‌های مختلف دانش مانند فناوری نانو، سلول‌های بنیادی، عرصه‌های هوا فضا و ... این مهم را اثبات کرده‌اند (۶).

و اما آخرین محور مهمی که باید در سیاست‌های آموزش عالی سلامت به خوبی متبلور شود، موضوع علم و علم‌آموزی و اعتلای شأن معلم و مستعلم است. باید دانست که رمز اقتدار در آینده دستیابی به مرزهای دانش است. اما نه هر دانشی، بلکه دانشی بومی، متعالی، نافع و جامع که سعادت و سلامت جامع را برای بشر به ارمغان آورد و میوه آن حیات طیبه باشد. این نکته شاید یکی از وجوه تمایزی آموزش علوم پزشکی با سایر علوم باشد که مسئولیت این حوزه را سنگین‌تر می‌کند. سلامت جسم و جان، فرد و جامعه، حال و آینده، مادی و معنوی، و ظاهر و باطن باید با هم و در کنار هم دیده شده و نظام آموزش علوم پزشکی کشور از صرف تربیت پزشک با سبک غالب جاری خارج و به سمت تربیت منابع انسانی مبتنی بر حکمت متعالی اوج بگیرد. نظام آموزش عالی سلامت کشور در کنار سایر نظام‌ها و دستگاه‌های کشور، ضروری است تمام تلاش خود را به کار گیرد تا در یک بازه زمانی کوتاه‌مدت، قوانین و سیاست‌های جاری در هر حوزه را متناسب با محورهای بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بازنگری کنند تا بستر لازم برای تحقق اهداف متعالی این سند در چهل ساله دوم انقلاب اسلامی فراهم شود.

منابع

1. Shakerizavardehi R. One world government from the perspective of religions in Islam. *Entizar-e-Moud* 2009; 9(29): 111-134. [In Persian]
2. Defense Industries Educational and Research Institute. An introduction to future research in humanities. *Tomorrow's management* 2005; 3(11,12): 25-30. [In Persian]
3. Ahmadi H, Afradi K. The Process Thoughts about Utopia in Islam. *Islamic Philosophical Doctrines* 2013; 7(11): 3-29. [In Persian]
4. Pourabbasi A, Emami-Razavi S, Kheiry Z, Naghavi Alhosseini S, Larijani B. Explaining the Position of the "Second Step of the Revolution" Statement Among upper documents of the Islamic Republic of Iran and the Implementation of its Concepts in the Medical Education System. *Journal of Medicine and Cultivation* 2019; 28(3): 1-10. [In Persian]
5. Jamshidian H, Mehraban H. Social soft power strategies of the Islamic Republic of Iran in dealing with the soft war of arrogance. *Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies of Strategic Knowledge* 2013; 4(13): 81-102.
6. Khastar H, Gholipour A, Pourezat AA. Qualitative Research and Model of National Self-Esteem in Universities and Higher Education Centers 2013; 2(5): 573-602. [In Persian]